

ازرنجی که می‌بریم

واژه هادر حکم آجرهای بناو ساختمان هز زبان هستند. هز زبانی هم امکان زایش و تولید واژگان رادر خود دارد. زبان فارسی ازجمله زبان هایی است که قدرت و ظرفیت فراوانی در واژه سازی دارد و می تواند چه به پشتوانه گنجینه ادبی و نوشتاری که در تاریخ زبان فارسی از گذشتگان به یادگار مانده است و چه به دلیل ظرفیت ترکیب سازی که در ذات این زبان وجود دارد، به دامنه واژه های خود بیفزاید و به روزرسانی شود. اما متأسفانه آشنایی با زبان های فرنگی از طریق ترجمه وبعدها به دلیل نفوذ روزافزون دانش و فناوری، هجوم واژه ها به ویژه از زبان انگلیسی راشاهد هستیم که فرصت تاخت وتازار در زبان فارسی پیدا کردند. البته این اتفاق فقط برای زبان فارسی نیفتاد و دیگر زبان ها هم به نوعی احساس خطر کرده‌اند.

سال گذشته یک وزیر ایتالیایی استفاده بی مهار از کلمات انگلیسی رانحقر و تضعیف زبان ایتالیایی دانست. پیش از آن دولت فرانسه نیز استفاده از برخی اصطلاحات انگلیسی زبان در صنعت بازی های رایانه ای رامنوع کرده بود.

نزدیک به دو دهه پیش اداره کل مطبوعات و انتشارات چین گفته بود که استفاده از کلمات انگلیسی موجب ناخالصی زبان چینی و پدید آمدن کلماتی با معانی مبهم می شود. پوتین نیز در قانون سال ۲۰۰۵ اصلاحیه ای برای حمایت از زبان روسی در نظر گرفت که بر این اساس، مسئولان به استفاده از کلمات و عبارت های خارجی که با هنجارهای روسیه نوین مطابقت ندارند، مجاز نخواهند بود. براساس طرح پوتین برای تقویت زبان روسیه، مقامات دولتی از به کار بردن کلمات خارجی حین انجام وظایف خود منع شدند. بنابراین، حساسیت داشتن در برابر نفوذ بی رویه واژه های غیربومی ممکن است دغدغه هر زبانی باشد.

در ایران نیز در آذر ۱۳۷۵در مجلس شورای اسلامی قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه به تصویب رسید. در ماده واحده این قانون آمده است: به منظور حفظ قوت واصلات زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی، دستگاه های قانون گذاری، اجرایی وقضایی کشور وسازمان ها، شرکت هاومؤسسات دولتی وکلیه شرکت هایی که شمول قوانین ومقررات عمومی برآن هاستلزم ذکر نام است وتمامی شرکت ها، سازمان ها ونهادهای مذکور در بند (د) تبصره (۲۲) قانون برنامه دوم توسعه موظف اند از به کار بردن کلمات وواژه های بیگانه درگزارش ها و مکاتبات، سخنرانی ها و مصاحبه های رسمی خودداری کنند وهمچنین استفاده از این واژه ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم ازبخش های دولتی وغیردولتی که در داخل کشور عرضه می شود ممنوع است.

این موضوع ازجمله نکته ها و دغدغه هایی است که رهبر معظم انقلاب بارها مطرح کرده و در مرداد۹۲در دیدار استادان دانشگاه هاگفتند:

«بنده ازپیش ازانقلاب.ازاینکه واژه های بیگانه بی دریغ در دست وزبان مردم ما به کار می رفت و به آن ها افتخار می کردند، همیشه رنج می بردم، متأسفانه تا امروز هم این باقی است! خیلی از سنت های غلط پیش از انقلاب، باانقلاب از بین رفت؛ این یکی متأسفانه از بین رفت؛ یک عده ای گانه افتخار می کنند که یک حقیقتی را، یک عنوانی را بایک واژه فرنگی بیان کنند، درحالی که، واژه معادل فارسی برای آن عنوان وجود دارد، دوست می دارند از تعبیرات غربی استفاده کنند، بعد حالا بپوش بپوش این دیگر به دامنه های گسترده ای در سطوح پایین و سطوح عوامانه هم رسیده، که واقعا رنج آور است.»

کتاب  
کودکی

سه گانه «کوتی کوتی» چهار تایی شد

این دفعه پروازکن

مجموعه «قصه های کوتی کوتی» داستان یک هزارپا را که ماجراهایش هم به اندازه باهایش بسیار زیاد است، روایت می کند. این داستان ها با درون مایه ای طنزآمیز، بچه ها را با مشکلات و گرفتاری های بی شمار این هزارپای بازمزه، آشنا می کند و فضایی خیال انگیز برای آن ها فراهم می کند. «شام سرد شد کوتی کوتی»، «سرما نخوری کوتی کوتی» و «دنیا را بلرزان کوتی کوتی» عنوان های اولین تاسومین کتاب این مجموعه است. به تازگی چهارمین کتاب از مجموعه قصه های «کوتی کوتی» با عنوان «پروازکن کوتی کوتی» نیز به پیشبندی فرهاد حسن زاده و تصویرگری هدی حدادی از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد.

ایینا نوشته است: نخستین جلد قصه های «کوتی کوتی» سال ۱۳۸۰ و دومین و سومین کتاب از این مجموعه نیز سال ۱۳۹۳ از سوی کانون منتشر شد. این مجموعه در این سال ها به یکی از پرمخاطب ترین کتاب های کودکان به ویژه در میان اعضای مراکز کانون سراسر کشور و همچنین از جمله پرفروش ترین کتاب های کانون تبدیل شد. پس از این استقبال، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این آثار را به زبان های کردی، انگلیسی، چینی، ترکی، عربی، سوئدی و مالایایی هم منتشر کرد.

در بخشی از کتاب «پروازکن کوتی کوتی» می خوانیم: کوتی کوتی خیلی دلش می خواست پرواز کند. به مگس گفت: آخه تو چطوری پرواز می کنی؟ مگس وز... وز... وز خندید و گفت: آخه تو یک راز است. به زنبور گفت: آخه پرواز چطوری می شود؟ زنبور زیر... زیر... زیر خندید و گفت: پرواز یک راز است. کوتی کوتی به مامانش گفت: چرا ما نمی توانیم پرواز کنیم، آخه؟ مامان کوتی کوتی حوصله نداشت. آخه ما بالمان کجا بود بچه؟

بابای کوتی کوتی گفت: اگر هم بال داشتیم، حالمان کجا بود بچه؟ کوتی کوتی گفت: آخه من دلم می خواهد پرواز کنم. آخه! بپواش یک چیز بود: «بی خیال کوتی کوتی! ما حوصله نداریم.»

# سَران دیار خراسان

گپ وگفتی با جمال مدیرشانه‌چی که تاکنون چندین جلد کتاب با موضوع مفاخر ادبی و علمی مشهد منتشر کرده است



مریم محبی| «۵۰ چهره فاخر خراسان بزرگ»، «۵۰ چهره علمی خراسان بزرگ» و «چهره های ادبی. انجمن نویسندگان اهل قلم خراسان»، سه عنوان کتابی است که با هدف معرفی مفاخر و چهره های برتر ادبی، فرهنگی، هنری و علمی سرزمین خراسان بزرگ، با سعی و تلاش جمال مدیرشانه چی تهیه و تدوین شده است. در این بین، چهره های ادبی برآمده از انجمن نویسندگان اهل قلم خراسان، آخرین اثری است که ماه پیش روانه بازار نشر شد. ما در این فرصت به سراغ نویسنده آن، یعنی جمال مدیرشانه چی، عضو انجمن نویسندگان اهل قلم خراسان، رقیتم و با او درباره این اثر و آثار پیشین او صحبت کردیم.

خراسان بزرگ و گنجینه ای ارزشمند و ناتمام هرکدام از این کتاب ها را که تورق کنید، اسامی شاخصی از سرزمین خراسان به چشم می خورد. به عنوان مثال در کتاب ۵۰ چهره فاخر خراسان بزرگ که اولین کتاب از این مجموعه است، نام هایی چون دکتر محمد حسن گنجی، پدر علم جغرافیای ایران، بدیع الزمان فروزانفر، محمد مهدی ناصح، احمد احمدی بیرجندی و رضا زمردیان، از استادان شعر و ادب فارسی و سید غلامرضا سعیدی، اسلام شناس و متفکر برجسته معاصر رادر خود جای داده است. مرتضی مطهری، سید جلال الدین آشتیانی، علی شریعتی، محمد رضا شفیعی کدکنی، مهدی اخوان ثالث، پوران شریعت رضوی، محمود دولت آبادی، محمد رضا شجریان نیز برخی دیگر از چهره هایی هستند که نویسنده در این اثر به سراغ آن ها رفته است. نکته دیگری که در این کتاب وجود دارد این است که برای کنار هم قرار دادن این اسامی، فقط به چهره هایی بسنده نشده است که زاده سرزمین خراسان باشند، بلکه در خلال نام ها می توانید با بزرگانی ملاقات کنید که در خراسان چشم به دنیا باز نکرده اند، اما در همین آب و خاک بالیده اند یا دست کم زمان قابل توجهی را در خاک خراسان زیست کرده اند. افرادی چون سید جلال الدین آشتیانی، استاد برجسته فلسفه و عرفان و از شاگردان علامه طباطبایی، کسی که در آشتیان متولد شد، در قم و نجف بالنده شد و در ادامه، برای سال ها در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت. در ادامه، سال ۱۴۰۰، مجلد دیگری از این

اهل قلم خراسان کسانی هستند که به سراغ آن ها رفته ام. در واقع ما این شخصیت ها را در قالب یک کتاب معرفی کرده ایم و یکی از سلسله کتاب هایی است که با همین محوریت از سال ۱۳۹۸ شروع به تألیف کردم و کتاب حاضر در واقع ادامه همین مجموعه است. «ا و البته معتقد است در خراسان و مشهد نامداران زیادی هستند که می توان چند مجلد دیگری از این مجموعه را منتشر کرد: «سرزمین خراسان چنان گنجینه ای ارزشمند است که طیف وسیعی از بزرگان عرصه های مختلف ادبی، هنری، علمی و ورزشی رادر خود جای داده است که این سلسله کتاب ها می تواند همچنان ادامه پیدا کند.»



نباید فراموش کنیم که باید در زمان حیات بزرگان و شخصیت های ارزشمند فرهنگی و علمی، قدر آن ها را بدانیم نه اینکه وقتی کار از کار می گذرد

همه چیز از دهه ۶۰ شروع شد اما نقطه آغاز تهیه و تدوین این مجموعه کتاب ها کجاست؟ شانه چی درباره آغاز این روند نیز برای مان صحبت می کند، اینکه داستان جمع آوری مفاخر مشهد از کجا شروع شده که در سال ۱۴۰۲ به سه مجلد رسیده است. او می گوید

«نامه های عاشق و معشوق در دوره قاجار، مراسلات عاشق و معشوق ستمگی، با تصحیح و توضیح ندامراد منتشر شد. ایسا نوشته است: مراسلات عاشق و معشوق ستمگر اثری غنائی و بیانگر حالات درونی نویسنده نامه هاست؛ مراسلاتی که از سوز دل عاشقش حکایت می کند و حتی عبارات و جملات خبری اش چنان لطیف، عاطفی و دل نشین است که هر شنونده ای را سر ذوق می آورد. در واقع، عاطفه ماده خام و اولیه این مراسلات است، هرچند نویسنده، قالب نامه نگاری را برای اثر خود برگزیده است؛ اما با دیدی وسیع موضوع های ادبی، هنری، اخلاقی، اجتماعی و انسانی را به تصویر می کشد و ابجادی از روابط انسانی را بازگو می کند که پیوندی جدانشدنی با سرشت و طبیعت فرد و جامعه دارد و پرداخته جهان ذهنی اش است. در مراسلات عاشق و معشوق، زمان، مکان، نام و نشان عاشق و معشوق مجهول و نامشخص است. نویسنده، شاید نام و نشانی از عاشق و معشوقی خاص مدنظر نداشته و قصد او از نوشتن این مراسلات شرح و وصف حال

درباره کتاب «بهتر بنویسیم» نوشته رضا بابایی

# درست، زیبا و ساده بنویسیم

ساده نویسی چنین می آورد: «در فن و هنر نویسندگی، سادگی و بی پیرایگی بر زیبایی تقدم دارد. نویسنده ماهر، از دو جمله هم معنا که یکی ساده است و دیگری کمی پیچیده اما زیبا، به حتم اولی را بر میگزیند و عطای دومی را به لقای آن می بخشد. نوشتاری که هموار و بی گیر و گره است، چنان گرم و گیراست که نیاز چندانی به آرایه ها و بَـرَک های لفظی ندارد.» (ص ۱۳۵). در ادامه این فصل،

ساده نویسی چنین می آورد: «در فن و هنر نویسندگی، سادگی و بی پیرایگی بر زیبایی تقدم دارد. نویسنده ماهر، از دو جمله هم معنا که یکی ساده است و دیگری کمی پیچیده اما زیبا، به حتم اولی را بر میگزیند و عطای دومی را به لقای آن می بخشد. نوشتاری که هموار و بی گیر و گره است، چنان گرم و گیراست که نیاز چندانی به آرایه ها و بَـرَک های لفظی ندارد.» (ص ۱۳۵). در ادامه این فصل، آفرینش هنری می‌گشاید.» پس از پایان یافتن مباحث نظری، نویسنده به سراغ نخستین مبحث کاربردی پیرامون بهترنویسی می رود که به نظر او «درست نویسی» است. ایشان سنجه های درست نویسی را چهار چیز می داند که عبارتند از: ۱. نظم و نثر کهن فارسی، با این تعبیر که «درست آن است که آنان می نوشتند، نه اینکه آنان درست می نوشتند. (ص ۵۰)»، ۲. دستور زبان فارسی، ۳. زبان گفتاری و ۴. زبان نوشتاری روز. در ادامه، خطاهای نوشتاری، شامل دو دسته غلط های املایی و انشایی مرور می شوند با مباحثی چون بیانگانه گرای، گره برداری، شکل های بیگانه، نددین بار کلمه، خطاهای دستوری و لغزش های کاربردی، کاربرد های بی معنا و ناجای کلمات و نیز حشو قبیح. پس از آن، نویسنده به سراغ موضوع هایی می رود که سبب «سستی انشا» می گردند، مواردی چون درازنویسی، عطف های بیپهوه، صفت های هز و نا همگون، فعل مجهول، تأکید بیجا و افعال، صفات و اضافات پیاپی، دومین فصل کاربردی کتاب به «ساده نویسی» اختصاص دارد. نویسنده در فضیلت و ضرورت

چه اولویت هایی را برای انتخاب مفاخری که به زندگی آن ها پرداخته در نظر گرفته است. او می گوید: «یکی از اولویت های پیشکسوت بودن شخصیت مورد نظر بوده است و دیگر اینکه کار ممتازی انجام داده باشند.» و البته به یک نکته دیگر هم اشاره می کند، اینکه غالباً دست گذاشته است روی مفاخری که اکنون در قید حیات هستند و می توان از حضورشان بهره برد.

کاش قدر بزرگان را در زمان حیاتشان بدانیم شانه چی صحبت هایش را این گونه ادامه می دهد: «نباید فراموش کنیم که باید در زمان حیات بزرگان و شخصیت های ارزشمند فرهنگی و علمی، قدر آن ها را بدانیم نه اینکه وقتی کار از کار می گذرد به فکر این بیفتیم تا کوچه یا خیابانی را به نامشان کنیم. کاش قدر افعال مرحوم سید محسن مصطفی زاده یا سعید تشکری را در زمان حیاتشان بیشتر می دانستیم، مطالب مورد نیاز برای این افراد که دیگر رخ در نقاب خاک کشیده اند با مراجعه به مصاحبه ها و حتی پرسش و پاسخ از نزدیکان این عزیزان جمع آوری کرده ام.» او درباره تهیه و تدوین این کتاب یک نکته دیگر هم به ما می گوید: «با خورد هایی که در جامعه گرفتیم خوب بوده است به ویژه در میان اهالی دانشگاهی و شخصیت های علمی.»

عشاق واقعی بوده است. این نامه ها بازوایه دید اول شخص به رشته تحریر درآمده است. این کتاب در ۳۱۵ صفحه بشمارگان ۳۳۰ نسخه و بهای ۲۴۰ هزار تومان به وسیله انتشارات مروارید راهی بازار کتاب شده است.

با مباحثی چون معیارنویسی، بهره مندی از زبان گفتاری، کوتاه نویسی، همواری و بی تکلفی، چپش طبیعی، ترتیب منطقی جملات، کاستن از افعال فعلی مرکب، و تتابع افعال و اضافات آشنا می شویم. و سرانجام، سومین و آخرین گام رای «بهترنویسی» چیزی نیست جز «زیبانویسی» که عنوان چهارمین فصل کتاب است. نویسنده در این فصل، با تأکید بر «غنای واژگانی» چنین می نویسد: «بی راه نیست اگر بگوییم هر کس کلمات بیشتری دارد نویسنده تر است. فقر واژگانی نوشته را آفسرد، کلیشه ای و کسالت بار می کند. غنای واژگانی و امدهار تنوع و تعداد کلمات غیرتکراری و غیرمنتظره در یک نوشته است. (ص ۲۰۲)». در ادامه، نویسنده با پرداختن به مباحثی چون تنوع در ساختمان جمله، تنوع در لحن، خاص نویسی، زنده نویسی، محسوس نویسی، استفاده از دو صنعت ادبی حل و تلمیح، آهنگ کلام، صمیمیت و شوخ و طعنه، و حُسن مطلع و مقطع، توصیه هایی عملی برای زیباتر شدن نوشتار ارائه می کند. و پایان بخش این نوشتار، جمالتی است شیرین از صفحه ۸۵ کتاب که یادآور یکی از سگاس های «باشگاه مشت زنی» نیز هست: «برای پیشرفت در هنر نویسندگی دو توصیه مهم و کلی وجود دارد که به قطع کارساز است: نخست اینکه تا می توانیم باید نوشته های خوب و زیبا بخوانیم، و دوم اینکه توصیه اول را جدی بگیریم، یعنی گمان نکنیم که از راهی غیر از خواندن آثار ممتاز، می توان در نویسندگی به جایی رسید.»

«بهتر بنویسیم» (درس نامه درست نویسی، ساده نویسی و زیبا نویسی) نویسنده: رضا بابایی ناشر: ادیان چاپ نهم ۱۴۰۱ ۴۰۴ صفحه، ۲۰۰ هزار تومان

انتشارات مروارید منتشر کرد

نامه های عاشق و معشوق در دوره قاجار

تازه های کتاب

سه شنبه ها با کتاب

«نوشتن» درباره «نوشتن» و به ویژه «بهتر نوشتن» کار دشواری است که نویسنده کتاب «بهتر بنویسیم»، روان شاد رضا بابایی، به خوبی از پس آن برآمده است. خواننده این کتاب، هنگام خواندن آن، با نویسنده ای رویه رومی شود که به آنچه می گوید عمل می کند و مصداق «عالم عامل» است نه زنبور بی عسل. بنابراین، نتیجه کار و به سخن دیگر، فراورده فرایندی که نویسنده در کتاب پیشنهاد می کند، کتابی است خواندنی که سه اصل مهم درباره آن رعایت شده است. همان سه اصلی که در عنوان فرعی کتاب آمده اند و نویسنده اعتقاد دارد که این سه اصل، به ترتیب، سه مرحله رشد و کمال هر نویسنده ای هستند، اینکه اول «درست» و بی غلط بنویسد، دوم اینکه «ساده» و بی تکلف و دور از لکت بنویسد که همین باعث می شود بیشتر و بیشتر بنویسد و سوم اینکه «زیبا» و خواندنی بنویسد تا خودش، به عنوان نخستین خواننده اثرش، از خواندن آن لذت ببرد و همین لذت، سبب شود که باز هم بنویسد و این بار، زیباتر و دل پسندتر و انصافا کتاب «بهتر بنویسیم» هم درست نوشته شده است، هم ساده و هم زیبا. کتاب چهار فصل دارد، یک فصل نظری و به دنبال آن، سه فصل کاربردی. عنوان فصل نخست «پایه های نظری» است که در آن، پس از ارائه تعریفی جذاب از نویسنده، به عنوان «کسی که نوشتن برای او آسان است (ص ۱۷)، پنج پایه نویسندگی، به زعم نویسنده کتاب، این گونه تعریف و تشریح می شوند: ۱. ذوق و استعداد درونی ۲. تجربه ۳. مطالعات روزآمد و پراکنده ۴. دانش و تخصص و ۵. مخاطب شناسی. ایده های نویسنده در فصل نخست کتاب، جالب توجه هستند. به عنوان نمونه، ایشان در صفحه ۲۲ آورده است: «راه های پرورش و افزایش ذوق نویسندگی بسیار است و شاید بهترین و مؤثرترین آن ها دیدار بی دربی با آفرینش های هنری برجسته است، اعم از هنرهای دیداری [نقاشی، مجسمه سازی و معماری] و شنیداری [ادبیات و موسیقی] و ترکیبی [تئاتر و سینما]. تماشا استعداد را شکوفای کند و قلم را جلا کند.»

اینکه نوشتن تخصصی است، اما خواندن می تواند